

متن پرسش

سلام استاد: چند سال قبل در محفلی دانشگاهی در جلسات محرم، استاد پناهیان حدیث «ان العبد اذا اختاره الله ...» را بیان فرمودند و بر ولی فقیه تطبیق دادند و بحث مفصلی کردند که ولی فقیه هم اختیار شده است و آن اثرات را از جانب خداوند می‌گیرد، در آن جلسه که بنده حاضر بودم یکی از فضلا با ایشان مباحثه ای کردند که این حدیث به فلان دلایل تطبیق بر معصوم دارد فقط، شب بعد آقای پناهیان روی منبر عذرخواهی کردند و اشتباه خود را پذیرفتند و اصلاح کردند، به نظرتان چرا امثال ایشان هم در برابر تحجر و اخباری گری شکست می‌خورند اما متفکرانی چون شما اینگونه از این موانع عبور کرده و سربلند می‌شوید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید به اندازه کافی در این مورد بحث شد بخصوص با طرح نکته‌ای که در جوامع روایی ما مطرح است تحت عنوان: «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع» به آن معنا که ما باید در برخورد با روایات اولیای معصوم مبنا و اصولی را بیابیم و آن را تعمیم دهیم. و به همین جهت برای بنده جای تعجب است که چه جریانی باید در میان باشد که نمی‌تواند این نکته را برتابد که وقتی حضرت رضا «علیه السلام» می‌فرمایند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لِأُمُورٍ عِبَادَةٍ، شَرَحَ صَدْرَهُ لِدَلِكْ، وَ أَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ، وَ أَلْهَمَهُ الْعِلْمَ الْإِهْمَامَ.» هرگاه خداوند، بنده ای را برای امور بندگانش برگزیند، برای این کار سینه اش را گشاده گرداند و چشمه های حکمت به دل او سپارد و علم را به کمال بر او الهام کند و از این پس دیگر در پاسخی درمانده نگردد و در (تشخیص) صواب، سرگشته نشود. نمی‌تواند در جای خود و با حفظ مراتب؛ آن را برای شخصیت‌هایی همچون حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و رهبر معظم انقلاب تعمیم دهند! آیا حکایت این روایت، حکایت اعتماد به سخن و پیشنهادات کسانی نیست که خداوند «لِأُمُورٍ عِبَادَةٍ» برای اصلاح امور بندگانش انتخاب کرده؟ آیا به عظمت بصیرت رهبر معظم انقلاب در سخنان اخیرشان در جریان سوریه؛ نباید اعتماد کرد؟ آیا به این سخن حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» که سال‌ها قبل فرمودند؛ نباید اعتماد کرد؟ که می‌گویند: « مکرر این مسئله ذکر شده است که اسرائیل قناعت نمی‌کند به آنجایی که هست؛ قدم قدم پیش می‌رود و هر قدمی که رفت، هی می‌گوید ما کاری نداریم، همین است، فردا قدم بالاتری برمی‌دارد؛ امروز لبنان است، فردا - خدای نخواستہ - سوریه، پس فردا عراق است و همینطور.» (صحیفه امام؛ ج ۱۶؛ ص ۴۶۱). آیا این همان معنای «شَرَحَ لِدَلِكْ صَدْرَهُ ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ

الْحِكْمَةِ ، وَالْهَمُّ الْعِلْمَ إِلَهَامًا ، فَلَمْ يَعْزِ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ» برای این کار سینه اش را گشاده گرداند و چشمه های حکمت به دل او سپارد و علم را به کمال بر او الهام کند و از این پس دیگر در پاسخی درمانده نگردد و در (تشخیص) صواب، سرگشته نشود. امری که مکرراً ما در حضرت امام و رهبر معظم انقلاب می‌یابیم. این‌جا است که انسان تأسف می‌خورد از کسانی که ادعای تفکر در دین دارند و تا این اندازه در ظاهر متوقف‌اند و چه توهین‌ها که در نوشته‌هایشان اعمال کردند که ما از طرح آن‌ها در قسمت سؤال و جواب‌ها اِبا کردیم. چگونه می‌توان با چنین افرادی به تمدن نوین اسلامی اندیشید که کوچک‌ترین تفکر تاریخی در روایات ما ندارند؟! موفق باشید